

ثلاثی مجرد: فعلی که اولین صیغه ماضی آن فقط ۳ حرف اصلی دارد
فعل

ثلاثی مزید: فعلی که اولین صیغه ماضی آن یک حرف یا چند حرف اضافه دارد

باب های ثلاثی مزید:	ماضی	مضارع	امر	مصدر
(۱)	أَفْعَلُ	يَفْعُلُ	أَفْعُلْ	افعال (همزه اضافه دارد)
	أَخْرَجُ	يُخْرِجُ	أَخْرِجْ	إخراج
	أَكْرَمُ	يُكْرِمُ	أَكْرِمْ	إكرام
(۲)	فَعَّلَ	يَفْعِّلُ	فَعِّلْ	تفعیل (تکرار مین فعل)
	عَلَّمَ	يُعَلِّمُ	عَلِّمْ	تعلیم
	قَدَّمَ	يَقْدِمُ	قَدِّمْ	تقدیم
(۳)	فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مفاعله (الاضافه دارد)
	شَاهَدَ	يَشَاهِدُ	شَاهِدْ	مشاهده
	تَاتَلَ	يَتَاتَلُ	تَاتِلْ	متاتله یا قتال



یادداشت

فعل لازم ؛ فقط نیاز به فاعل دارد

فعل متعدی ؛ علاوه بر فاعل به مفعول نیاز دارد

الفعل نبت - 71

ماضی	مضارع	امر	مصدر
نَبَتَ	يُنَبِتُ	نَبِّتْ	نَبَاتٌ
نَعَلِمَ	يَنْعَلِمُ	نَعْلِمُ	نَعْلَمٌ
نَتَاعَلَّ	يَنْتَاعِلُ	تَعَالِ	تَعَالٌ
تَعَارَفَ	يَتَعَارَفُ	تَعَارَفْ	تَعَارُفٌ

عَلِمَ : يَدْرُسُ
 عَلِمَ : يَدْرُسُ
 عَلِمَ : يَدْرُسُ

هُمْ يُنَبِّتُونَ (ماضی) هُمْ تَعَارَفُوا (ماضی) هُنَّ تَعَارَفْنَ
 أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (امر) أَنْتُمْ تَعَارَفُوا (امر) أَنْتُنَّ تَعَارَفْنَ

در این ۲ باب چون حرکت عین الفعل ماضی و امر یکی است لذا این ۲ باب
 صبیغه مشترک و مود دارد

۱- عین العارضة التي جاء فيها جمع ماضی
 ۲- عین العارضة التي جاء فيها جمع ماضی
 ۳- عین العارضة التي جاء فيها جمع ماضی
 ۴- عین العارضة التي جاء فيها جمع ماضی

ماضی	مضارع	امر	مصدر
⑥ اِفْعَلْ	يَفْعِلُ	اِفْعِلْ	اِفْعَالٌ
اِنْتَصِرْ	يَنْتَصِرُ	اِنْتَصِرْ	اِنْتِصَارٌ
⑦ اِنْعَلْ	يَنْعِلُ	اِنْعَلْ	اِنْعَالٌ
اِنْقَلِبْ	يَنْقَلِبُ	اِنْقَلِبْ	اِنْقِلَابٌ
⑧ اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِغْفَالٌ
اِسْتَعْدِمْ	يَسْتَعْدِمُ	اِسْتَعْدِمْ	اِسْتِغْذَامٌ

۱) افعال
۲) تفعلیل

→ معمولاً برای متعدی کردن به کار می رود. خرج: خارج شد. اُخرج: خارج کرد 7

تَلَاثَبُ الصَّدِيقَاتِ: دودوستی

۳) مُفَاعَلَةٌ
۴) تَفَاعُلٌ

→ معمولاً در ترجمه از کلمه (ب) یا (با) استفاده می شود. جَاءَهُ الْفَنَى الْفَارِ: بیامید با...

۵) تَفَعُّلٌ
۶) اِسْتِفْعَالٌ

→ لاهی لازم و لاهی متعدی است. تَعَلَّمْتُ: یاد گرفتم (متعدی) تَلَمَّزْتُ: تلمذ ورزید

۷) اِسْتِفْعَالٌ → همیشه لازم است. اِنْتَلَبْتُ: بازگشت

۸) اِسْتِفْعَالٌ → معمولاً به صورت متعدی به کار می رود. اِسْتَقْبَلْتُ: دیدار شد (لازم)

تَقَبَّلْتُ: پذیرفت
تَقَابَلْتُ: جنگید

اِقْبَلْتُ: چو آمد

تَقَبَّلْتُ: پذیرفت

تَقَبَّلْتُ: چو رسید

اِسْتَقْبَلْتُ: استقبال کرد

اسم
جامد: از کلمه دیگری گرفته شده
مشتق: از کلمه دیگری گرفته شده
استقاقات

① اسم فاعل ← کلمه ای که در بردارنده صفت فاعلی دلالت می کند

از ثلاثی مجرد ← بروزن فاعل

نَصْر: ناصر (یارى کننده) كَتَب: كاتب (نویسنده)

از ثلاثی مزبور ← (مُ + یلی ساخته به آخر کسر)

تَعَلَّمَ ← مُتَعَلِّم مستخدم

② اسم مفعول ← کلمه ای که بر دارنده صفت مفعولی دلالت کند

از ثلاثی مجرد ← بروزن مفعول

مَنْصُور (یارى شده) مَكْتُوب (نویشته شده)

از ثلاثی مزبور ← (مُ + یلی ساخته به آخر فتحه)

يُحَرَّم ← مُحَرَّم احترام

③ صفت مشبیه: همان صفت مطلق فارسی است. سهترین وزن: فاعل - فعل - فاعل

شریف - فقیر - فقیه

④ اسم مبالغه: کلمه ای که در بردارنده صفت همراه با کثرت دلالت دارد. سهترین وزن: فاعل - فاعل - فاعل

غفار - غلام - غلام

⑤ و ⑥ اسم زمان و مکان: بر زبان یا مکان انجام فعل دلالت می کند. سهترین وزن: فاعل (شکل تسمیه)

برای مذکر: أَقْبَل: أَكْثَر - أَشْرَف: أَكْثَر

⑦ اسم تفضیل: بر برتری داشتن دلالت می کند. وزن

برای مؤنث: أَقْبَل: أَكْثَر - أَشْرَف: أَكْثَر

نکته: اسم های مبالغه برای مذکر و مؤنث یکسان می روند و در وزن فاعل برای مبالغه بیشتر است

دوره سریع مهالاب



۱- اُکْتُبْ مَا طَلَبَ مِنْكَ.

الف) يَغْتَصِبُ: اسم مفعول

پ) اِعْتَمَدَ: اسم فاعل

ب) يُشْفِقُ: اسم فاعل

ت) رَزَقَ: اسم مفعول

۲- عَيْنِ الْجَامِدِ وَ الْمَشْتَقِ:

الْكُفَّارُ:

مُبَشِّرِينَ:

مُشَاوَرَةُ:

التَّجَارُ:

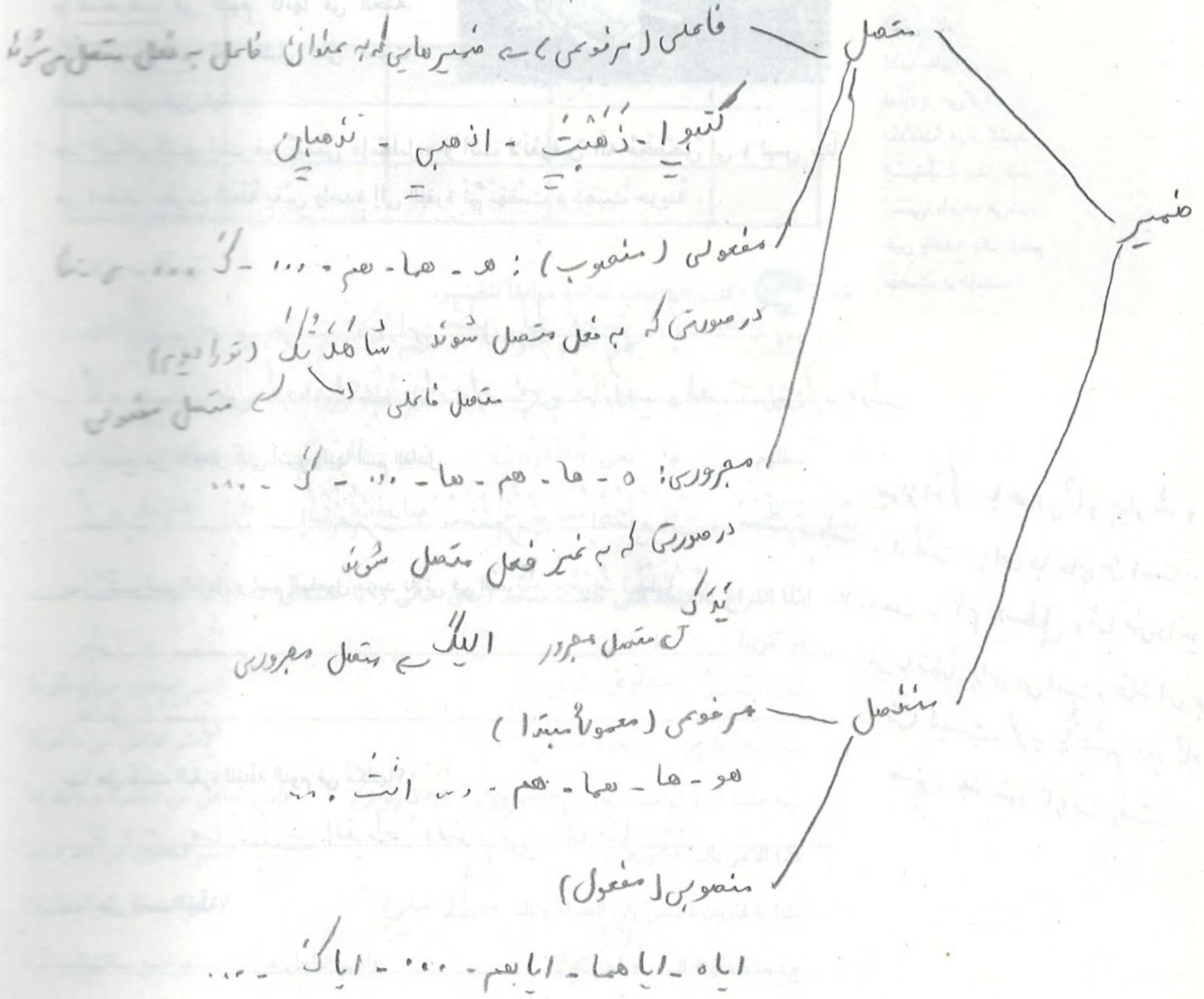
۳- عَيْنِ الْمَشْتَقَاتِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

الف) الْمُؤْمِنُونَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْمَظْلُومِينَ.

پ) الْإِنْسَانُ مَخْلُوقٌ مِنَ التُّرَابِ وَ رَاجِعٌ إِلَى التُّرَابِ.

ب) اَلْمُعَلِّمُونَ يَعْطَمُونَ طُلَابَهُمْ دُرُوسَ الْحَيَاةِ

ت) اَنْتُمْ مَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرُوسِ الْمُخْتَلِفَةِ





۱- اکتب ما طیب منک من المشتقات:

نَصَرَ ← اسم فاعل

ناصر

عَلَّمَ ← اسم فاعل

معلم

قَصَدَ ← اسم مفعول

مقصود

اِسْتَضْعَفَ ← اسم مفعول

مستضعف

۲- عین نوع المشتقات:

خلیل:

صبيح مسسم

مؤمن:

اسم فاعل

علامة:

اسم مبالغ

مساجد:

اسم مکان

۳- عین الجامد و المشتق:

الجمال:

جامد

رثان:

اسم مبالغ مشتق

حسن:

جامد

معاصي:

جامد

۴- عین المشتقات في العبارات التالية:

الف) آخسین إلى الفقراء و المظلومين.

ب) جاهد الکفار و المنافقين.

انواع «نا»

فعل مضارع + نا ← مفعولی
يُنْصِرُنَا (ما را یاری می کنند)
مفعولفعل امر + نا ← مفعولی
اُنْصِرُنَا (ما را یاری کن)
مفعولفعل ماضی + نا ← قبلش ساکن ← فاعلی
نُصِرْنَا (ما را یاری کرد)
فاعلقبلش متحرک ← مفعولی
نُصِرْنَا (ما را یاری کرد)
مفعول

اللغات

سارت: حرکت کرد
الْيَاس: ناامیدی
الْحُزْن: ناراحتی
رَجُل: پا
قَارَةٌ: موش
أُرِيد: می خواهم
أَنْ أَعْرِف: که بفهمم
سَمَح: اجازه داد
أَنْ تُهْدِي: خراب کنی
أَغْفِي: ببخش
فَجَاءَ: ناگهان

الف) تَرْجِم النصَّ بعباراتٍ مألوفة.

کرم در راهش حرکت کرد و در حالت ناامیدی و ناراحتی نفس می کشید
برای آن که خانه ای مناسب نیافت بود و از سردی و ناراحتی نفس می کشید
پایش (بر روی خانه ای کوچک) موشان قرار دادند...
ب) عَيِّن الجامد و المشتق من الكلمات التي أُشير إليها بخط.

کرم این خط کشید و خانه ای ساخت

پ) لماذا غَضِبَت القَارَةُ؟

چون آن موشان ارادت نداشتند به آن

ت) ماذا طلب الدُّبُّ مِنَ القَارَةِ؟

لبس الدُّبِّ سبب ان تنفق القطة

انواع لامی

اسم + ی می مجهوری کتابی

حرف جر + ی می مجهوری ای (ای + ی)

در صیغه ی ۱۰ مضارع و اسر می فاعلی

اذهب

اگر بخواند مفعولی باشد بین فعل و (ی) یک نون می آید

نفس کشیدن مفعولی

نون و قایه

۱۸- عَيْنِ العبارة التي ما جاء فيها اسم مشتق:

(۱) الله غافر كل ذنب.

(۳) قارون قصَدَ الرجوع عن كفره عند نزول العذاب.

(۲) العامل بالعلم كالسائر على الطريق الواضح.

(۴) مُساعدَة، الناس في الحياة من وظائف المؤمنين.

۱۹- عَيْنِ الجامد:

(۱) سعيد

(۲) نفس

(۳) مطبخ

(۴) صبور

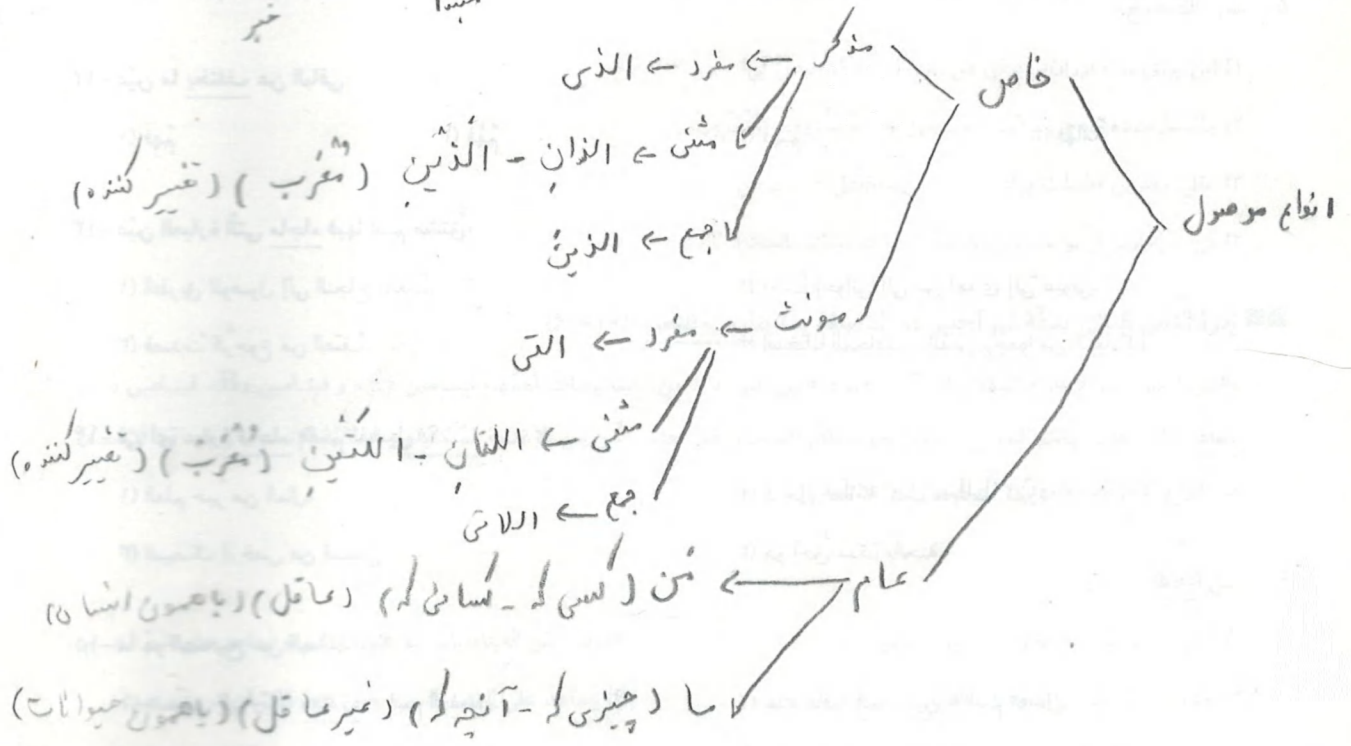
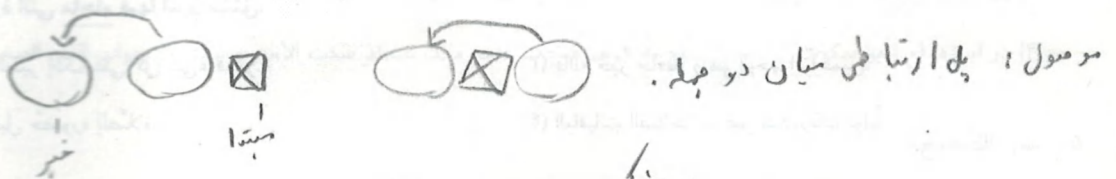
۲۰- عَيْنِ ما كُلّه من المشتقات:

(۱) مُصدّقون - ضاربين - كلام

(۳) فقراء - مُستخرج - عالم

(۲) مُرسَل - سَهْل - مُحارب

(۴) شَاهِد - مُغتصب - جمال



روش ترجمه موصول:

- ۱- اگر اول جمله بیاید به معنای (کسی که - کسانی که) است. الذين يحبون : کسانی که دوست دارند، موصوف می شوند.
- ۲- اگر بعد از ضمیر منفصل مرفوضی بیاید به معنای (کسی که - کسانی که) است. الأم التي تعبت : مادری که خسته شد.
- ۳- اگر بعد از اسم (ال - دار) بیاید به معنای (که) است. ذهبت إلى المسجد الذي قرب مدرستنا : رفتم به مسجدی که نزدیک مدرسه ماست.